

گفت‌وگویی صبا با کارگردانان مجموعه یک سانس چند رویا

سفر به دنیای خلاقانه فیلم‌ها



زمین‌کننده می‌شود. یعنی حتی اتفاقاتی که در فیلم می‌افتد و از خود گذشتگی که شاهد آن هستیم کمی از اتفاقات روزمره و فضای ناتوال سینمایی دور می‌شود. این فیلم ۲۶ دقیقه است و توانست از جشنواره فیلم کوتاه تهران کاندید ۴ جایزه شود و در سه بخش فیلمبرداری، بازیگری و گریم به جایزه دست یابد. همینطور کاندید بهترین فیلم از جشن حافظ شد و در جشنواره خارجی هم شرکت کرد ولی حقیقتاً برای من جشنواره‌های ایرانی همیشه مهم‌تر بودند.

نظر شما در مورد آثار تان به این شکل چیست؟

این بسیار مهم است که فیلم شما آکران شود یعنی مهم‌ترین چیز برای یک فیلمساز آکران فیلمش است. به همین دلیل است که می‌گویم وقتی فیلم در جشنواره فیلم تهران حاضر شد از هر جشنواره دیگری برایم مهم‌تر بود برای اینکه می‌توانست در فضایی که مخاطبان ایرانی حضور دارند آکران شود و من می‌توانستم با فیلمسازان دیگر و مخاطب ایرانی به تماشای فیلم بنشینم. حال شما فکر کنید که این گسترش پیدا می‌کند و فیلم شما در سراسر کشور به مدت یک ماه آکران می‌شود. خوب چه چیزی جذاب‌تر از این! فیلمساز خلق می‌کند تا اثرش دیده شود، می‌خواهم بگویم این انگیزه بسیار بزرگ‌تر است تا فرد فیلم بسازد. یک مشوق خوب و تجربه بزرگ‌تر است که بتواند نفس به نفس با مخاطب عام اثرش را ببیند. بدین شکل شما می‌توانید ضرب آهنگ نفس و نبض مخاطب را برای روزهایی حس کنید و این تجربه بسیار گرانبغدی است.

محمد رضا مرادی کارگردان فیلم کوتاه رنگارنگ:

نیاز به ایده‌های خلاقانه و قابل اجرا داشتیم

فیلم چند دقیقه‌ای است و به چه موضوعی می‌پردازد؟

این یک فیلم کوتاه فانتزی ۱۵ دقیقه‌ای است که برگرفته از داستان‌های هزار و یک شب و علاءالدین و غول جادوست.

فیلم سازی برای شما به چه شکل آغاز شد؟

کارم را از انجمن سینمایی جوان اراک و در سال ۸۴ آغاز کردم و حدود ۷ فیلم دانشجویی، هنر جویی و آماتور تولید کردم حتی انیمیشنی به نام «زندگی کاغذی» که تلفیق آبجکت موشن بود یعنی هم با اشیا و هم با تصاویر واقعی و یک انیمیشن تودی هم ساختم به نام «تریو قجری» که به سفارش سازمان زیباسازی شهر تهران بود. اما کار حرفه‌ای کوتاها با فیلم «دوالپا» آغاز شد و در ادامه هم فیلم «افسانه کوه نونک» که در جشنواره فیلم کوتاه تهران ۱۴۰۲ شرکت داشت.

چگونه شد که این فیلم وارد این بسته آکران شد؟

این بسته آکران هنر و تجربه فیلم‌های منتخب سال گذشته جشنواره فیلم کوتاه تهران بود و خود انجمن این آثار را انتخاب کرد تا

آبجکت‌های استفاده کنیم که در بیسیک‌ترین حالت خودشان هستند مثلاً نشیمن‌های فیلم مکعب ساده هستند نتیجه بهتری خواهیم گرفت. ما به این فکر کردیم که هر آکسسواری که بیاوریم برای مخاطب فضایی را تداعی می‌کند که آکسسوار را آنجا دیده است و از بداعت شرکت می‌کاست. فکر می‌کنم در نهایت این تصمیم به باورپذیرتر شدن فضاهای موجود در اثر کمک کرد.

سخن پایانی

به نظر من این باکس از این نظر که فیلم‌های آن برخورد متفاوتی با مقوله واقعیت دارند و فیلم‌ها به حوزه فانتزی و فرا واقعی وارد می‌شوند بسیار جالب است. من احساس می‌کنم که جای این فیلم‌ها در سینمای بلند ما بسیار خالیست و فقر ما در این زمینه به این خاطر است که به این فیلم‌های کوتاه کمتر بها می‌دهیم. در حالیکه این فیلمسازان می‌توانند در عرصه فیلم بلند به تجربه‌های جدیدی دست بزنند و کارهای جالب‌تری بکنند. امیدوارم که کمی فضای فیلمسازی برای جوان‌ها راحت‌تر شود فکر می‌کنم در حال حاضر بالا رفتن هزینه‌ها به شدت جلوی تجربه‌گرایی افراد را می‌گیرد و بسیاری از استعدادها ممکن است که از بین بروند و امیدوارم که این چرخه به یک شکلی بتواند تغییر و تحول پیدا کند تا افراد با استعدادی که در حال حاضر توانایی فیلم‌سازی ندارند بتوانند وارد آن شوند چرا که این به سینمای بلندمان کمک می‌کند و این‌ها افرادی هستند که می‌توانند موج جدیدی به این جریان اضافه کنند.

هادی نوری کارگردان فیلم تکه‌های از تو:

جشنواره‌های ایرانی همیشه برایم مهم‌تر بوده‌اند

مسیر فیلم‌سازی برای شما چگونه آغاز شد تجربه‌های

پیشین تان چیست؟

این اولین کار حرفه‌ای من در زمینه فیلم‌سازیست و چند کار تجربی هم داشتم که به صورت گسترده آنها را ارائه نکرده‌ام و در چند اثر هم به عنوان بازیگر حضور داشتم. من سال‌های زیادی به نویسندگی پرداخته و رمان نوشتم. آخرین رمانم به نام «انجمن خواص» سال ۹۸ به چاپ رسید و پس از آن به فیلمنامه‌نویسی کوتاه و بلند پرداختم تا به این فیلمنامه رسیدم و پس از دوره‌های مختلف فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی تصمیم گرفتم که این فیلمنامه را در فضای حرفه‌ای بسازم.

ایده «تکه‌های از تو» چگونه شکل گرفته است؟

ایده این فیلم از یک عکس شروع شده است. عکسی که در آن زن و مرد سالخورده‌ای پشت به پشت یکدیگر خوابیده‌اند. ژانر فیلم من یک ملودرام کاملاً عاشقانه و عارفانه است و نمی‌توانم بگویم که به طور کامل فانتزی است ولی جنس روایت و فضاسازی‌ها به گونه‌ای است که شما جهانی متفاوت در این داستان می‌بینید و به نوعی پای فیلم از

بخش هنر و تجربه در بسته فیلم‌هایی که با عنوان یک سانس چند رویا ارائه کرده مخاطبان را به تجربه‌ای از فیلم‌های کوتاه که شاخصه‌های

مریم عظیمی
گفت و گو

فرا واقعی دارند دعوت کرد. خبرنگار صبا گفتگویی با این کارگردانان خلاق داشته که در ادامه می‌خوانید

مریم بختیاری کارگردان فیلم بالا افتادن:

بالا رفتن هزینه‌ها جلوی تجربه‌گرایی را می‌گیرد

ایده این فیلم چگونه شکل گرفت و به چه موضوعی می‌پردازد؟

فیلمنامه این فیلم را به همراه یکی از دوستانم امین چادگانی نوشته‌ام. این فیلمنامه راجع به شرکتی است که افراد به آن خواب سفارش می‌دهند و در ادامه داستان مردی است که یک شب خوابش مطابق انتظارش پیش نمی‌رود و برای حل این مشکل به شرکت مراجعه می‌کند. از آنجاییکه برای خودم بسیار خوشایند است که دیگران خواب مرا می‌بینند و برایم تعریف کنند این ایده در ذهنم شکل گرفت و پس از صحبت با یکی از دوستانم به این ایده فکر کردم، اگر وقتی که از خواب بیدار می‌شوی بدانی شب قبلش چه افرادی و چه خوابی از تو دیده‌اند، چقدر می‌تواند جالب باشد. این ایده مرا به شرکتی که بتوان به آن خواب سفارش داد رساند و اینکه فرد بتواند انتخاب کند در خوابش چه اتفاقی بیفتد و چه کسانی در خوابش حضور داشته باشند. پروسه نگارش فیلمنامه به خاطر تحصیل من در مقطع ارشد کمی طولانی شد و در این مدت ایده دیگری هم به ایده اولیه اضافه شد که باعث شد ایده نیز پخته‌تر شود و آن ایده «پذیرش» بود. من به این نتیجه رسیدم که هر فردی در زندگی مشکلی دارد که احتمالاً اگر از آن گذر نکند نمی‌تواند به نقطه جدیدی برسد و این ایده را در شخصیت مرد فیلم گنجاندم. او گریه در گذشته‌اش دارد و خواب‌هایش تحت تاثیر مشکلی است که نمی‌تواند از آن گذر کند و به همین دلیل مدام یک خواب تکراری می‌بیند.

در زمینه طراحی صحنه این فیلم بیشتر برایمان بگویید.

در این فیلم ما برای نشان دادن فضای شرکتی که افراد به آن خواب سفارش می‌دهند به خاطر مسائل مالی و امکانات دچار مشکل بودیم و از طرفی هم تمایل نداشتم طراحی به سمت شرکت‌هایی که در فیلم‌های علمی-تخیلی می‌بینیم برود. به این دلیل که تصور می‌کردم با امکانات ما این طراحی، ماکتی از چیزی می‌شد که در سینمای کشورهای دیگر می‌بینیم. با طراح صحنه‌ام حامد اصلانی جلسات متعددی راجع به اینکه این شرکت را چگونه تعریف کنیم که برای مخاطب باور پذیر باشد داشتیم و ایده اصلیمان رسیدن به نوعی از مینی‌مالیسم بود چرا که من مینی‌مالیسم را در دکوپاژ کار نیز داشتم و فکر کردیم که اگر به ساده‌ترین شکل ممکن صحنه را طراحی کنیم و